

باقر طالبی دارابی

(۱) مشخصات

۱. نام: کلیسای شیطان
(The Church of Satan)

۲. پایه گذار: انتون زندر لوی
(Anton Szandor Lavey)

۳. تاریخ تولد و وفات: ۱۱ آوریل ۱۹۳۰ - ۲۹ اکتبر ۱۹۹۷

۴. محل تولد: شیکاگو

۵. سال پایه گذاری: ۱۹۶۶

۶. متون مقدس یا مورد احترام: کتاب مقدس شیطانی (۱۹۶۹)، جادوی شیطانی (۱۹۷۰) و مناسک شیطانی (۱۹۷۲). تمامی این کتابها را لوی نوشته یا تدوین کرده است.

۷. جمعیت: مطابق ادعای کلیسا بیش از ده هزار نفر.

(۲) تاریخچه

لوی سالها پیش از برپایی کلیسای شیطان علاقه خاصی به تجربه گرایی داشته است. وی در دهه ۱۹۵۰ در سان فرانسیسکو گروهی با نام حلقه جادویی تشکیل داد. باشگاه او باشگاهی رازورانه بود که نظرات بسیاری را به خود جلب کرد.

مطابق گفته‌های لوی کلیسای شیطان در ۳۰ آوریل ۱۹۶۶ پایه گذاری شد.

لوی در این روز، خود را «اسقف اعظم کلیسای شیطان» و «پاپ سیاه» خواند و اعلام کرد که

عصری جدید سر برآورده است. او به نقد بسیاری از ادیان، بویژه مسیحیت و سنت‌های

بهترین تعریف ارائه شده از کلیسای شیطان، آن را دینی معرفی می‌کند که فلسفه لذت پرستانه را با اعمال جادوگری سیاه درهم آمیخته است. کلیسای شیطان مروج ایمان به شیطان به عنوان وجود متعالی و برتر نیست، بلکه لوی شیطان را به عنوان نماد مخالفت و سرپیچی از یک جامعه مطیع و خداترس معرفی می‌کند. با این

عرفانی شرق پرداخت و بیان کرد که این ادیان و سنت‌ها احکام غیرمعارف و نامناسبی را بر بشر بار می‌کنند و موجب انجام گناه و معاصی غیرضروری می‌شوند. از این رو، وی بر نیاز به دینی تأکید کرد که فرد را به عنوان حیوانی دارای آمال و آرزوها که باید به آنها دست یابد، مورد پرستش قرار دهد.

زمانی که لوی اولین جشن شیطانی را در سال ۱۹۶۷ رهبری کرد، کلیسای شیطان در میان ملت‌های مختلف جلب توجه کرد. لوی با انجام مراسم تشییع شیطانی برای مردگان عضو کلیسا و یک سال بعد با اجرای غسل تعمید برای دختر سه ساله‌اش زینا (Zeena) به بهترین شکل خود را معرفی کرد. لوی که به محبوبیت دست یافته بود، کتاب‌های زیادی نوشت که از جمله آنها کتاب مقدس شیطانی (Satanic Bible) در سال ۱۹۶۹ بود و بیش از یک میلیون نسخه آن به فروش رفت. او همچنین هنرپیشه و مشاور بسیاری از فیلم‌های هالیوود بود. وی در فیلم‌ساز بی‌سجسه رزم‌سازی (Rosemary's Baby) در سال ۱۹۶۸ نقش شیطان را بازی کرد. گفته می‌شود که بسیاری از چهره‌های سرشناس و مشهور سینما مثل سامی دیویس (Sammy Davis)، جین مانسفیلد (Jayne Mansfield) و کیم نوآک (Kim Novak) با این کلیسا ارتباط داشته‌اند.

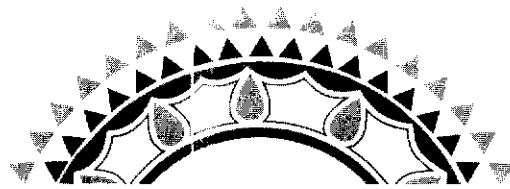
(۳) عقاید

بهترین تعریف ارائه شده از کلیسای شیطان، آن را دینی معرفی می‌کند که فلسفه لذت پرستانه را با اعمال جادوگری سیاه درهم آمیخته است. کلیسای شیطان مروج ایمان به شیطان به عنوان وجود متعالی و برتر نیست، بلکه لوی شیطان را به عنوان نماد مخالفت و سرپیچی از یک جامعه مطیع و خداترس معرفی می‌کند. با این

آشنایی با ادیان جدید

کلیسای شیطان*





همه، لوی احساس می‌کند که ساخت کلیسا در فضایی دینی یک ضرورت است، چون او معتقد است که انسان‌ها همچنان به مناسک مذهبی و عبادت نمادین برای رسیدن به معانی عمیق‌تر نیازمندند. به بیان خود او «مردم به مناسک مذهبی همراه با نمادهایی نیازمندند که در بازی‌های بیسبال یا مراسم کلیسا یا در جنگ‌ها آنها را بیابند تا به واسطه آنها عواطف و احساسات خود را که بدون وجود آنها نمی‌توانند آزاد سازند یا به درک آن نایل آیند، آزاد کنند و بشناسند».

برخی از شاخصه‌های عقیدتی کلیسای شیطان از این قرار است:

۱. شیطان سمبل لذتجویی است نه ریاضت‌کشی.
۲. شیطان نماد وجودی شاداب است نه موجودی منفعل و موهوم.
۳. شیطان سمبل حکمت سالم و غیرآلوده است نه خودفریبی ریاکارانه.
۴. شیطان سمبل مهربانی با کسانی است که شایسته آن هستند نه عشق فراگیری که شامل ناسپاسان نیز بشود.
۵. شیطان سمبل انتقامجویی است نه گرداندن آن طرف صورت!
۶. شیطان سمبل مسئولیت‌پذیری برای مسئول است نه دلمشغول خون‌آشامان

روانی.
 ۷. شیطان انسان را با دیگر حیوانات کاملاً همانند می‌داند؛ گاه بهتر و اغلب بدتر از آن حیواناتی که بر چهار دست و پا راه می‌روند. چون انسان به واسطه «رشد روحانی و فکری» به شروترترین حیوانات مبدل شده است.
 ۸. شیطان تمام آنچه را گناه نامیده شده مایه خرسندی و مسرت روانی، فکری و عاطفی می‌داند.
 ۹. شیطان بهترین دوستی است که کلیسا تاکنون داشته چراکه در تمام این سالها کلیسا را مشغول داشته است.

کلیسای شیطان بر آن است که رفتارهای عاطفی مانند طمع، شهوت و نفرت غریزه‌های طبیعی هستند و سرکوبی این احساسات کاری کاملاً نادرست است. هواداران کلیسای شیطان معتقدند که ریاکاری از احکام عبادی‌ای نشأت می‌گیرد که مردم قادر به تبعیت از آنها نیستند در نتیجه وقتی آنان به گناهانشان اعتراف و توبه می‌کنند، احساس بهتری به آنها دست می‌دهد. کلیسای شیطان معتقد است که اعضای آن باید به جای اینکه خود را انسانی سرشار از نفرت و گناه توصیف کنند، انسان‌هایی عادی بشمارند که به کلیسا درآمده‌اند تا با بعد جسمانی بشر دست و پنجه نرم کنند. با این اوصاف، کلیسای شیطان از مناسک معنوی و نمادها در مراسم خود بسیار بهره می‌گیرد. در این کلیسا سه نوع مناسک جادویی به خدمت گرفته می‌شود: مناسک جنسی؛ برای کمک به دستیابی به سرمستی جسمانی، مناسک نرم‌کننده دل‌ها؛ برای کمک کردن به احساس عشق و محبت به دیگران و مناسک منهدم‌کننده؛ برای رهاشدن از عصبانیت و نفرت. در برخی مراسم از عناصر نمادین مانند موسیقی (آلاتی مانند شیپور و سنج و نیز

آوازخوانی)، پوشش خاص (خرقه‌های باشلق‌دار و ماسک)، شمع، پنتاگرام (ستاره پنج‌گوش*) و تصویر بی‌پوشش جنس مؤنث بهره می‌گیرند. پرستش‌فاده‌ترین و معسروف‌تسریسن نماسد اینس گسروه، سیمگسلسل برفومت (Sigil of Baphomet) است که یک مثلث سروته در یک دایره با کله بز در وسط مثلث است. این نماد و نمادهای نزدیک به این مدت‌های مدیدی است که در سنت شیطانی به کار می‌روند.

کلیسای شیطان چنان نشان داده است که به جامعه سالم و پاک و به دور از اعمال خلاف قانون پایبند است. حتی دسته‌هایی را که مرتکب رفتار غیراخلاقی و غیرقانونی می‌شوند تحریم کرده است. لوی نیز مصرف مواد مخدر غیرقانونی را نه به سبب غیرقانونی بودن که به دلیل اینکه موجب می‌شود مردم کنترل زندگی خود را از دست بدهند، سرزنش و محکوم می‌کند.

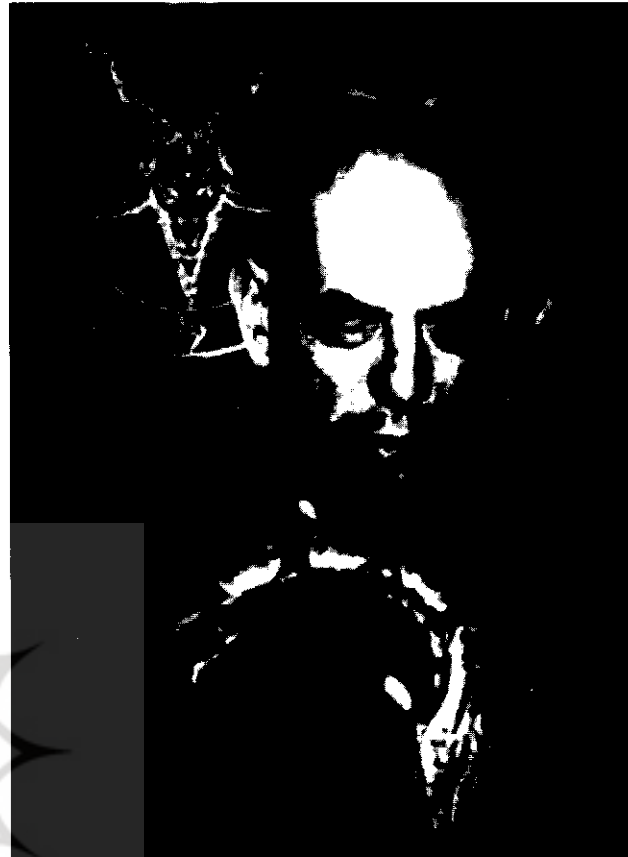
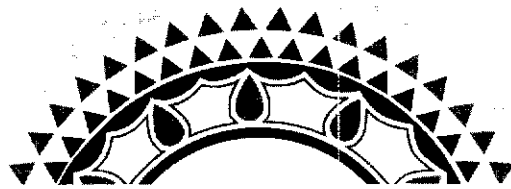
کلیسای شیطان عموماً از شهروندان محترم میانسال تشکیل یافته و این امر با آنچه در رسانه‌ها به تصویر کشیده شده که کلیسای شیطان پر از افراد نوجوان و جوان است کاملاً در تناقض است.

۴) مشاجرات کنونی

مهمترین حادثه در کلیسای شیطان طی سالیان اخیر، مرگ آنتون لوی در سال ۱۹۹۷ بود که به گفته برخی، آخرین نفس‌های یک گروه در حال مبارزه را نشان داد. کلیسای شیطان که اندکی پس از آغاز به کارش در سال ۱۹۶۶ بسیار جلب توجه کرد، از این زمان رو به افول نهاد و از شهرتش کاسته شد. کلیسای مزبور در سالهای اخیر دچار بحران مالی نیز شد. لوی برای بازپرداخت بدهی‌های خود ناچار شد در سال ۱۹۹۱ خانه بدنام خود را که «خانه سیاه» (Black House) خوانده می‌شد، بفروشد. او خانه را به یکی از دوستانش فروخت تا بتواند پس از فروش در آن زندگی کند. «خانه سیاه» پس از آن تخریب و به جای آن آپارتمان بنا شد. تلاش‌های بعدی برای جمع‌آوری پول برای بازخرید آن خانه نیز ناکام ماند.

مسأله جانشینی نیز کلیسای شیطان را با مشکل مواجه ساخت. در حال حاضر بالاترین مقام رسمی کلیسای شیطان، اسقف





عمومی کناره می‌گیرد. او دوباره در دهه ۱۹۹۰ با آلبومی از موسیقی‌های خود و عکس‌های زیبایی اندام به عرصه اجتماع بازمی‌گردد. یکی از آلبوم‌های موسیقی وی شیطان به تعطیلات می‌رود (Satan takes a holiday) (۱۹۹۵) نام دارد. نوبی تا زمان مرگ روی کتاب خود با عنوان شیطان سخن می‌گوید (Satan Speaks) کار می‌کند. این کتاب در سال ۱۹۹۸ با مقدمه‌ای از اسقف اعظم کلیسای شیطان، ماربلن مانسون به چاپ رسید.

اواخر عمر لوی با درگیری‌ها و مشکلات بسیاری همراه می‌شود. در سال ۱۹۹۰ دختر کوچک او زینا شرک (Zeena Schreck)، در انتظار عموم از پدرش تبری می‌جوید و به راهبه کلیسای رقیب یعنی معبد ست مبدل می‌شود. زینا، پدرش را دروغگو و غیر قابل اعتماد می‌داند و حوادث زندگی او را سراسر دروغ می‌خواند.

در سال ۱۹۹۱ لورنس رایت (Lawrence Wright) در نشریه سنگ غلطان (Rolling Stone) مقاله‌ای می‌نویسد که زندگی لوی را با چالش بیشتری مواجه می‌کند. در همین سال بعد از محکوم شدن در دعوایی میان او و همسر سومش، دیانا هاگرتی (Diana Hagerty)، مجبور می‌شود «خانه سیاه» را بفروشد.

بیوگرافی لوی نوشته بلانکه بارتون با عنوان دروغ‌های جذاب، زندگی لوی را «سرشاز از نادرستی‌ها و پلییدی‌ها» جلوه می‌دهد. جان ریموند (John Raymond)، تمامی اعمال و مناسک شیطانی را به سخره می‌گیرد و می‌نویسد که دو آنتون لوی وجود داشت: یکی خرقة سیاهی که پایه‌گذار کلیسای شیطان بود و دیگری کسی که چیزهایی آفرید تا خلوتش را پر کند و آنچه را در خلوت خود، جعل کرده به مطبوعات دهد تا او را معرفی کنند.

لوی می‌گفت: من نمی‌خواهم این افسانه از بین برود، این خطر وجود دارد که وقتی شما با جوانانی مواجه شوید که مرا الگو قرار داده‌اند، سرخورده و مأیوس شوید؛ من ترجیح می‌دهم پیشینه‌ام را در رازآلودگی کفن بگیرم و دفن کنم!

انتخاب کلیسای شیطان برای بخش ادیان جدید، عمدتاً به دلیل رسوخ آموزه‌های آن به جوامع شرقی از جمله ایران است. بی‌گمان آشنایی با مفاهیم این جریان، شیوه‌های مطلوب مواجهه با آن را به جوامع شرقی خواهد آموخت.

تربیت‌کنندگان شیر شود. دو سال بعد در یک کارناوال در نقش نمایش‌دهنده زیبایی اندام ظاهر می‌شود و همچنین به هیپنوتیسم افراد می‌پردازد. وقتی در سال ۱۹۴۸ دوره تعطیلی زمستانه کارناوال شروع می‌شود، برای نمایش زیبایی اندام به یکی از باشگاه‌های زیبایی اندام در کالیفرنیا جنوبی می‌رود و در همین باشگاه با مریلین مونرو (Marilyn Monroe) آشنا می‌شود و با او ازدواج می‌کند. در سال ۱۹۵۱ نیز با دختر چهارده‌ساله‌ای به نام کارول لاتسینگ (Carole Lansing) ازدواج می‌کند و پس از آن به مطالعه در جرم‌شناسی در کالج شهر سان‌فرانسیسکو مشغول می‌شود تا از خدمت سربازی فرار کند. از این زوج، دختری به نام کارلا در سال ۱۹۵۲ متولد می‌شود. لوی در همین سال به عنوان عکاس پلیس سان‌فرانسیسکو مشغول به کار شده و با بخش ناپسند کارهای بشر، یعنی قتل و بزه‌دیدگان نتاوزه به عتف آشنا می‌شود. همچنین ضمن عکسبرداری از صحنه‌های تکان‌دهنده تصادفات خونین با این بخش از حوادث زندگی آدمیان نیز روبه‌رو می‌گردد. لوی می‌گوید تجربیات همین دوره باعث شد که منکر خدا شود.

لوی در خانه بزرگی که به «خانه سیاه» معروف شد زندگی می‌کرد. رفتارهای نامتعارف و عجیب لوی در این مکان بدنام خود به دستاویزی نمایشی تبدیل شده بود. زندگی در خانه‌ای سیاه و بدنام با حیواناتی مانند رتیل، مار بو، پلنگ و شیربی به نام تولگار (Tolgare) توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود.

لوی در همین «خانه سیاه» جلسات هفتگی خود را برپا می‌کرد و به امور رازآلود و موضوعات سیاهی مانند خون‌آشام‌ها، آدم‌های گرگ‌صورت، شکنجه‌گری و جنون می‌پرداخت. این نشست‌ها با استقبال زیادی روبه‌رو می‌شود. و لوی از این راه برای آنچه که «حلقه جادویی» می‌نامید، ۲/۵ دلار دریافت می‌کند.

بعد از آنکه در سال ۱۹۶۶ کلیسای شیطان را بنا می‌نهد، چهره مشهور محلی می‌شود و تا حدودی از جایگاه ملی نیز برخوردار می‌گردد. اما در دهه ۱۹۷۰ محبوبیتش را بتدریج از دست می‌دهد و در سال ۱۹۷۵ به دنبال نزاع با معبد ست (Temple of Set)، از فضای

اعظم بلانکه بارتون (Blanche Barton) صمیمی‌ترین رفیق و همراه لوی تا دم مرگش، است. وی بعد از مرگ لوی با همکاری کارلا (Karla) (دختر آنتون از ازدواج دومش) کنترل کلیسای شیطان را به عهده گرفت اما آن دو از همان آغاز اختلاف پیدا کردند. بارتون، کارلا را متهم به این کرد که بی‌جهت خود را اسقف اعظم کلیسای شیطان معرفی کرده است. او خود را جانشین قانونی آنتون می‌شمارد. در چند سال گذشته نزاع‌های قانونی زیادی میان آنها رخ داده و به نظر می‌رسد با نبودن یک رهبر فرهمند، آینده این کلیسا نیز نامطمئن و متزلزل باشد.

۵) درباره آنتون زندر لوی

بدون سخن گفتن درباره تأثیرگذارترین چهره کلیسای شیطان، این نوشتار ناتمام خواهد بود. آنتون زندر لوی در یازدهم آوریل ۱۹۳۰ متولد شد. نام اصلی او هوارد استانتون لوی بود. وی در سن شانزده سالگی برای همراهی با سیرک، خانه را ترک می‌کند. در آن سیرک با شیرها سروکار پیدا می‌کند. روحیه مهربان و خوگرفته وی با حیوانات به او کمک می‌کند از